

بررسی الگوی مقاومت زنان قرآنی در زمینه سازی تمدن اسلامی

نفیسه ایران پور^۱

زهره صالحی^۲

چکیده

نقش زنان در شکل‌گیری و پیشبرد تمدن الهی، یکی از محوری‌ترین مباحث انسان‌شناختی و تمدن‌شناختی قرآن کریم است. این پژوهش به روش توصیفی با تحلیل محتوای آیات و بهره‌گیری از تفاسیر معتبر، به این سوال پاسخ می‌دهد که چگونه زنان مقاوم در موقعیت‌های سرنوشت‌ساز تاریخی، موجب استمرار و پیروزی تمدن الهی در برابر تمدن‌های طاغوتی شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد مقاومت این زنان، نه یک نقش حاشیه‌ای، بلکه رکن زمینه ساز تمدنی و پیشران تاریخی بوده است؛ به‌گونه‌ای که اگر حضور و مقاومت آنان نبود، برخی حلقه‌های مهم تمدن انبیای الهی در برابر ساختارهای طاغوتی شکل نمی‌گرفت یا ادامه پیدا نمی‌کرد. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که نقش تمدن‌ساز زنان مقاوم در قرآن را می‌توان در چهار زمینه اصلی: پایداری ایمانی در برابر فشارهای طاغوتی، نقش‌آفرینی خانوادگی در پرورش و تداوم نسل پیامبرانه، کنشگری اجتماعی و حضور مسئولانه در جامعه برای سامان‌دادن به هنجارها و ارزش‌های الهی، و تأثیرگذاری و مشارکت در هدایت تاریخی جامعه بررسی کرد. استمرار نسل ابراهیمی توسط ساره، مقاومت توحیدی آسیه در

۱. مدیر گروه مطالعات اسلامی، استادیار، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: Iranpur110@gmail.com

id:0000-0002-8506-1472

۲. دانش پژوه ارشد مطالعات اسلامی، ایران، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.



مقابل تمدن فرعونى، درایت و حرکت تشکیلاتی مادر و خواهر موسی ع در ایجاد نهضت آزادی بخش بنی اسرائیل، نذر مادر مریم در رفع تبعیض جنسیتی و مقاومت مریم در برابر تعصبات اجتماعی، کارکرد اجتماعی رفتار عفیفانه دختر شعیب و حکمرانی ملکه سبا، نقش‌آفرینی زنان صحابه پیامبر ﷺ در بیعت و نیز عملکرد ازواج‌النبی ﷺ در بستر مقابله با تبرج جاهلیت از مصادیق تمدن‌سازی الهی با محوریت زنان مقاوم در قرآن به شمار می‌رود. در مجموع، نگاه تمدنی به آیات مربوط به زنان، تصویر دقیق‌تر و زنده‌تری از جایگاه زن در منطق قرآن ارائه می‌کند که می‌تواند در بازاندیشی نقش زنان در جوامع اسلامی امروز، الهام‌بخش الگوهای فعال، مسئولانه و تمدن‌ساز نوین در عرصه خانواده و جامعه باشد.

واژگان کلیدی: زنان مقاوم در قرآن، تمدن‌سازی نوین الهی، تمدن شیطانی، بسترسازی تمدنی، هدایت تاریخی، کنش‌گری اجتماعی.

در گستره تاریخ، تمدن‌های بشری، شاخص ارزیابی سیر تکاملی و بالفعل رساندن پتانسیل‌های مختلف انسان در عرصه‌های مختلف زندگی مادی و معنوی او بوده است. در کنار بررسی‌های عینی و میدانی از مظاهر و مصادیق تمدن ساز بشری از عصر برنز و آهن و فولاد گرفته تا در نوردیدن کرات و کهشان‌ها، بررسی خاستگاه فکری و مبنای نظری تمدن سازی یکی از ملزومات دانش بشری به شمار می‌رفته است. در مطالعات انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی تاریخی تفاوت‌های فاحشی بین نگاه تمدنی به زندگی بشر مبتنی بر جهان‌بینی توحیدی و جهان‌بینی سکولار اومانیست مشاهده شده است. این اختلاف مبنایی گاه چنان دچار شدت و انحراف گردیده است که اراده الهی منعکس یافته در ادیان بزرگ توحیدی را مخالف پیشرفت مادی و رفاهی بشر معرفی کردند و پیش فرض هر گونه توسعه تمدنی را در مغایرت و انکار دیدگاه دینی باز تعریف نمودند. با ظهور تمدن اسلامی و پیشرفت‌های محسوس علمی و عقلی در زندگی انسان، بسیاری از تهمت‌ها و جعلیات جاهلانه یا عامدانه برچیده شد. اما تلاش‌های تفکر رقیب در مسلط ساختن و جایگزین کردن تمدن انسان محور گوی سبقت را از مسلمین ربود و سالها استعمار و استثمار سیاسی - فرهنگی راه بروز و به ثمر رسیدن تمدن با شکوه اسلامی را با کندی و سستی مواجه کرد. اندیشه‌های مقام معظم رهبری علیه السلام پیرامون باز آفرینی و تحقق تمدن نوین اسلامی در عصر حاضر و جایگزینی آن با تمدن پوشالی و بی ثمر غربی میدان بحث و گفتگوی علمی پیرامون این ایده نغز را فراهم آورد. بدون شک در تحقق این نظریه بررسی اصول هویت یابی تمدنی، الگویابی مصداقی و ارکان تحقق تمدن سازی نقش محوری و اساسی را ایفا می‌کنند. سیر تطور تمدن بشری از ابتدای خلقت تا کنون بر نظام تبدیل و تحول اولین یافته‌های نظری و عملی انسان با نوع تکامل یافته‌تر آن است. در ابتدا تمدن سازی بشر با تکیه بر ابزار و اهداف بقا و تسلط بر طبیعت آغاز شد و رفته رفته با اهداف بزرگ‌تر و اهداف اقتدارگرایانه‌تر به پیش رفت. در هر کدام از این جایگزینی‌های تمدنی چند عامل مهم از تاثیر بیشتری برخوردار بودند از جمله: نیروی انسانی ورزیده‌تر، آرمان و اهداف متعالی‌تر و روش‌های تثبیتی کارآمدتر. پژوهش پیش رو با تکیه بر روش تحلیلی - تفسیری و با استناد به آیات قرآن در صدد بررسی الگوی تمدن سازی توحیدی زنان با تکیه بر مولفه مقاومت و پایداری از نظر قرآن کریم است. به عبارت دیگر این پژوهش ابتدا مصادیق زنان مقاوم را شناسایی می‌کند و سپس به نظام مندی نوع مقاومت و نتایج حاصل از آن در پی ریزی تمدن الهی می‌پردازد. دغدغه اصلی این پژوهش این است که طبق آیات قرآن زنان چگونه به عنوان طراحان و هدایت گران هوشمند تاریخ مسیر تمدن‌ها را ریل گذاری کرده اند. چنین خوانشی، هم با چارچوب الگوی مقاومت و بسترسازی تمدنی سازگار است، هم می‌تواند در بحث‌های امروز درباره نقش زن در جوامع اسلامی طبق نظرات مقام معظم رهبری و الگوی سوم زن مسلمان، مبنای نظری قوی و قابل دفاعی ارائه کند. در بررسی‌های به عمل آمده نسبت به پیشینه تحقیق موارد ذیل جمع



آوری گردید که هرکدام به نحوی با پژوهش حاضر متفاوت هستند.

مقاله ای با عنوان «نقش بانوان در ایجاد تمدن نوین اسلامی با تاکید بر قرآن کریم و منویات مقام معظم رهبری (علیه السلام)» توسط معصومه محمودی نسب و معصومه نیکوخصال در نشریه دو فصلنامه مطالعات تربیتی و اجتماعی قرآن و عترت دوره ۴، شماره ۸، خرداد ۱۴۰۱ صفحه ۱۹۳-۱۶۸- به چاپ رسیده است. وجه تمایز این مقاله با پژوهش پیش رو در روش، یافته‌ها و متغیرهاست. این مقاله به بررسی نقش زن در تمامی ابعاد خانوادگی، اجتماعی و فردی در تمدن سازی در قرآن کریم و بیانات مقام معظم رهبری پرداخته است، و راهکارهایی مانند بهبود نقش زن در ارتباط با محیط خانواده توجه هرچه بیشتر زن به نقش جهادی وی در همسرداری و همراهی با همسر در ایجاد تمدن اسلامی، اهمیت به جایگاه متعالی زن به عنوان مادر در تربیت نسل تمدن ساز، حضور فعال و موثرتر بانوان در فعالیت‌های اجتماعی به عنوان عنصری تمدن ساز و شناخت ابعاد فردی وجود زن برای اثرگذاری بهتر و دستیابی هرچه بهتر به نقش وی اشاره شده است.

مقاله دیگری با عنوان «تبیین الگوی مفهومی نقش‌آفرینی زنان در تحقق تمدن نوین اسلامی» نوشته زینب یاسری و نفیسه اخوان نیلچی در دو فصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی دوره ۱، شماره ۲ - شماره پیاپی، دی ۱۳۹۷، صفحه ۱۳۳-۱۵۲ به چاپ رسیده است که چگونگی ایفای نقش زنان در ایجاد تمدن اسلامی را الگوییابی و تبیین می‌کند و با روش و مدعای پژوهش حاضر متفاوت است.

مقاله «نقش و جایگاه زنان در تمدن نوین اسلامی بر پایه اولویت بندی مسئولیت بانوان در برابر حکومت اسلامی، خانواده و اجتماع» نوشته محمد جبار پور در نشریه مطالعات میان رشته‌ای تمدنی انقلاب اسلامی دوره ۴، شماره ۱۵ - شماره پیاپی ۱۵، پاییز ۱۴۰۴ - صفحه ۶۱-۸۱ به چاپ رسیده است که بیشتر به جایگاه و نقش زنان در نگاه غرب پرداخته است.

در زمینه الگوی مقاومت زنان در قرآن مقاله «گونه‌های استقامت زنان الگوی مقاومت در قرآن کریم» نوشته خدیجه حسین زاده و دیگران در نشریه مجموعه مقالات همایش ملی مقاومت اسلامی چاپ شده است که به مواردی از قبیل بذل مال، هجرت، جهاد و شرکت در جنگ؛ تحمل شکنجه و شهادت؛ حفظ ایمان در محیط کفر؛ مداوای مجروحان؛ دفاع از ولایت را به عنوان مصادیق استقامت در قرآن اشاره کرده است بدون توجه به نقش زنان مقاوم در تمدن سازی.

مقاله «ساختار حقوق زن در هندسه تمدن اسلامی با محوریت تحلیل محتوای سوره نساء» نوشته علیرضا نوبری، حسن رضائی ارائه شده در «سومین همایش بین‌المللی تفسیر اجتماعی قرآن کریم در جهان معاصر» در سال ۱۴۰۲ به تبیین حقوق و وظایف زن در چارچوب آیات سوره نساء می‌پردازد. اما مقاله حاضر به تحلیل فلسفه تاریخ و تنظیم الگوی مقاومت تمدنی زنان در گستره کل قرآن توجه دارد.

مفهوم شناسی

مقاومت در لغت، به معنی ایستادگی، پایداری و استقامت است. (فرهنگ معین، ۱۳۸۶، ص ۴۲۸۶) در قرآن کریم مقاومت به معنای اصطلاحی آن از امر به صبر (آل عمران: ۲۰۰)، امر به استقامت (شورا: ۱۵ و هود: ۱۱۲)، و امر به ثبات قدم (مقاومت) (بقره: ۲۵۰ و آل عمران: ۱۴۷ و انفال: ۱۱ و ۴۵) به دست می آید. خداوند در بعضی آیات مقاومت را ایستادگی در مقابل دشمنان تعریف می کند. چنانچه در سوره بقره آیه ۲۵۰ خداوند در داستان مبارزه طالوت با جالوت، سیره مردان مبارز را مقاومت در برابر دشمنان می داند. با توجه به گستره معنای مقاومت در قرآن کریم می توان مصادیق مقاومت در قرآن را بسته به طرف مقابل ضرورت دهنده به ایستادگی و پایداری به انواع سیاسی - اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ایمانی تقسیم کرد. محور مقابل می تواند هوای نفس، شیطان، موانع و مشکلات، نظام طاغوتی با تمام ارزش ها و هنجارهای خود ساخته اش باشد. مقاومت به عنوان رکن اساسی تمدن سازی مقاومت در متن قرآنی، نه صرفاً «مخالفت نظامی» با دشمن، بلکه ایستادگی اعتقادی و معنوی در برابر فشارهای طاغوتی است (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۳۴۲). این مقاومت می تواند اشکال متعددی داشته باشد: مقاومت دینی: پای بندی به اصول ایمانی در برابر فشارهای تمدنی آن زمان، مقاومت اجتماعی: کنش گری در سامان دهی هنجارها و مقابله با پدیده هایی مثل تبرج و تحقیر، مقاومت تربیتی: پرورش نسل های جدید به گونه ای که آن ها بار معنوی تمدن را بر دوش بگیرند. در این میان، زنان مقاوم، از آنجا که معمولاً در حریم خانوادگی و روابط درونی تر قوم قرار دارند، توانایی منحصری دارند تا مقاومت خود را به اشکال فردی آگاهانه بروز دهند و هم زمان تأثیری تمدنی و جمعی در جامعه گسترده تر داشته باشند.

تمدن سازی

تمدن در لغت، از ریشه عربی «مدن» (مدینه/شهر) گرفته شده و به معنای «شهرنشین شدن» و خروج از بادیه نشینی است.

شهرنشین شدن، خو گرفتن به اخلاق مردم شهر و با ادب و تربیت شدن. نقل از خشونت و جهل به حالت ظرافت و انس و معرفت. (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۶۱۰۸)

تمدن در اصطلاح «مرحله ای از فرهنگ اجتماعی که با پیشرفت نسبی در هنرها و علوم و تدوین قوانین و تشکیل نهادهای سیاسی و مدنی مشخص می شود. تمدن معمولاً در مقابل توحش یا بدویت قرار می گیرد و متضمن مفهوم پیشرفت در زندگی مادی و معنوی انسان است.» (مصاحب، ۱۳۸۱، ۶۶۷)

تمدن دارای دو بخش ابزاری (صنعت، سیاست) و حقیقی (سبک زندگی، اخلاق) است. زنان فرماندهان بخش حقیقی تمدن هستند و با تأمین «سکینت»، سوخت حرکت جامعه را فراهم می کنند. (khamenei.ir)، «بستر سازی تمدن اسلامی» به معنای فراهم کردن «زمینه ها و زیر ساخت های لازم برای شکل گیری تمدن

اسلامی» تعریف شده است. بسترسازی تمدنی یعنی «اقدامات آگاهانه و نظام‌مند برای آماده‌کردن زیرساخت‌ها و زمینه‌های فکری، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی لازم جهت ظهور یا تکامل یک نظم تمدنی (غفاری پور، ۱۳۹۳، ۸۱۰ مقاله ارائه‌شده در همایش) به عبارت دیگر فرایند بستر سازی تمدنی فرآیندی نرم افزاری، زیر بنایی و ریشه ای خواهد بود که معمولاً در نظام خانواده و توسط اولین مربیان بشر آغاز می‌گردد. نقش زنان عمدتاً در لایه بسترسازی تعریف می‌شود که اهمیت آن از لایه ساختاری بیشتر است، زیرا بدون تربیت انسان‌های صالح، ساختار تمدنی پایدار نمی‌ماند.

تمدن‌سازی فرآیندی است تکاملی که در آن یک جامعه با عبور از مراحل مقدماتی، به بلوغ فکری، سیاسی و اقتصادی رسیده و توانایی تولید فکر، علم و قدرت را پیدا می‌کند. در این فرآیند، «تولید نرم‌افزار» (سبک زندگی و فرهنگ) و «سخت‌افزار» (علم و تکنولوژی) به صورت هم‌افزا عمل می‌کنند. (کوشالی، ۱۴۰۰، ۱۲۰)

تمدن نوین اسلامی در لغت به معنای تمدن اسلامی جدید یا بازسازی‌شده در عصر حاضر و در اصطلاح به معنای نظم تمدنی جدید و فراگیر مبتنی بر تعالیم اسلام، که پس از تحقق دولت و جامعه اسلامی، در سطح منطقه‌ای و جهانی به‌صورت یک سبک زندگی و نظام سیاسی، فرهنگی، علمی و اقتصادی ظهور می‌کند. (khamenei.ir)، طبق بیانات رهبر انقلاب (۱۳۹۱)، این تمدن غایت نهایی انقلاب اسلامی است که پس از نظام‌سازی و دولت‌سازی محقق می‌شود و در این هندسه، «زن» و «خانواده» جایگاهی محوری دارند.

مصادیق زنان تمدن‌ساز در قرآن کریم

بر اساس آیات و روایات و نظریات تمدنی، می‌توان نقش تمدن‌ساز زنان مقاوم در قرآن را در چند محور اصلی صورت‌بندی کرد: پایداری ایمانی در برابر فشارهای طاغوتی، نقش‌آفرینی خانوادگی در پرورش و تداوم نسل پیامبرانه، کنشگری اجتماعی و حضور مسئولانه در ساماندهی هنجارها و ارزش‌های الهی و مشارکت فعال در هدایت تاریخی جامعه. استمرار نسل ابراهیمی به واسطه ساره، تأسیس جغرافیای تمدن توحیدی با هجرت هاجر، مقاومت توحیدی آسیه در برابر تمدن فرعون، مدیریت بحران توسط مادر و خواهر موسی در نهضت آزادی‌بخش بنی‌اسرائیل، نذر مادر مریم و مقاومت عبادی مریم در برابر تعصبات جنسیتی و تهمت‌های اجتماعی، کنش اخلاقی و اجتماعی دختر شعیب و نیز نقش‌آفرینی زنان صحابه و ازواج النبی ﷺ در بستر مقابله با تبرج جاهلی از مهم‌ترین مصادیق این بسترسازی تمدنی به شمار می‌آید. ساره با دریافت بشارت الهی به فرزند در سال‌خوردگی، استمرار نسل ابراهیمی و تداوم رسالت توحیدی را ممکن ساخت؛ آسیه در متن نظام فرعون، با مقاومت توحیدی خود، الگوی جاودانه ایمان و مقابله با استبداد معرفی شد؛ تدبیر و شجاعت مادر و خواهر موسی ع بستر نهضت نجات‌بخش بنی‌اسرائیل را فراهم آورد؛ نذر مادر مریم برای خدمت فرزندش در بیت‌المقدس، ابتکاری در رفع تبعیض جنسیتی به‌شمار می‌رود؛ مریم علیها السلام با

ایستادگی در برابر تعصبات اجتماعی و پذیرش نقش منحصر به فرد الهی، بنیانی تازه در شبکه ارزش‌های اخلاقی و معنوی بنی اسرائیل پدید آورد؛ دختر شعیب نیز با ارایه رفتار عقیقانه و تقدیم پیشنهاد شغلی به موسی، شأن اجتماعی و کارکرد تمدنی زن در ساحت اجتماع را نمایان ساخت؛ ملکه سبا و تایید حکمرانی زن در اجتماع نیز از مصادیق نقش تمدنی زنان در قرآن به شمار می‌رود؛ نقش آفرینی زنان صحابه پیامبر ﷺ در بیعت و نیز عملکرد ازواج النبی ﷺ در بستر قوانین عفاف و مقابله با تبرج جاهلیت الگوسازی تربیتی و اجتماعی زن برای بنیان تمدنی اسلام را برجسته می‌سازد.

بر اساس داده‌های پژوهشی، انواع مقاومت در قرآن به شرح زیر دسته‌بندی می‌شود:

سوره مرتبط	نوع مقاومت	مصادیق قرآنی	کارکرد تمدنی	منبع
ابراهیم	مقاومت هجرت محور	هاجر علیها السلام	تأسیس جغرافیای تمدن (مکه) و زیرساخت حیات (زمزم)	تفسیر نمونه، ذیل تفسیر آیه ۳۷ سوره ابراهیم و بحث غیرذی زرع
تحریم، قصص	مقاومت اعتقادی-سیاسی	آسیه علیها السلام	نفوذ در ساختار قدرت طاغوت و حمایت از رهبر الهی	المیزان، ذیل آیه ۱۱ سوره تحریم
قصص	مقاومت امنیتی-اطلاعاتی	مادر و خواهر موسی	حفظ جان ولی خدا و مدیریت بحران	تفسیر نور، ذیل آیات ۱۰ تا ۱۳ سوره قصص
آل عمران، مریم	مقاومت اخلاقی (عفت)	مریم علیها السلام	طهارت نسل و آماده‌سازی بستر برای معجزه الهی	المیزان، ج ۱۴، ص ۴۵، ذیل آیات سوره مریم و بحث احصنت فرجها
احزاب	مقاومت فرهنگی	زنان عصر پیامبر	مبارزه با جاهلیت و تبرج برای حفظ هویت اسلامی	تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۹۰، ذیل آیه ی ۳۳ سوره ی احزاب و تفسیر مفهوم تبرج الجاهلیه
آل عمران	مقاومت اعتقادی-معنوی	(همسر عمران) مادر مریم	طراحی کادر معنوی و نذر فرزند برای خدمت به ساختار دینی (عبور از کلیشه‌های جنسیتی)	المیزان فی تفسیر القرآن، ذیل آیه ۳۵ آل عمران
احزاب	مقاومت فرهنگی-اقتصادی	ازواج النبی ﷺ	الگو سازی سبک زندگی، ساده زیستی، ترجیح آخرت بر دنیا (مبارزه با اشرافی گری)	تفسیر نمونه، ج ۱۷، ذیل آیه ی ۲۸ احزاب
هود، زاریات	مقاومت ایمانی-خانوادگی	ساره (همسر ابراهیم)	همراهی در تأسیس بیت توحیدی و صبر بر نامالیمات مهاجرت و تابآوری	زن در آینه ی جمال و جلال، بخش زنان الگو



سوره مرتبط	نوع مقاومت	مصادیق قرآنی	کارکرد تمدنی	منبع
نمل	مقاومت عقلانی - سیاسی	ملکه سبا (بلقیس)	گذار عقلانی از سنت‌های شرک الود به توحید و حکمرانی خردمندانه (دیپلماسی توحیدی)	ریعان، معصومه (زن و سیاست در قرآن با تأکید بر داستان ملکه سبا) فصلنامه مطالعات زن و خانواده
قصص	مقاومت اخلاقی - اجتماعی	دختران شعیب	مشارکت اجتماعی عقیقانه و نهادینه سازی شایسته سالاری (تشخیص قوی و امین)	تفسیر نور، سوره قصص

کارکرد تمدنی مقاومت زنان در قرآن

تاب آوری و استقامت زنان مقاوم در لحظات حساس و تاثیر گذار تاریخی تاثیر بسزایی در بستر سازی و پی ریزی جریان‌های تمدن ساز در قرآن داشته است. در هندسه معرفتی قرآن کریم، «تمدن سازی» فرآیندی مکانیکی و صرفاً معطوف به انباشت ثروت یا توسعه فیزیکی ابنیه نیست؛ بلکه پروژه‌ای «انسان محور» و «تعالی بخش» است که غایت آن، اقامه قسط و تحقق عبودیت در بستر اجتماع می باشد (مطهری، ۱۳۷۸: ۱۵). در این نگاه زن در جایگاه «معمار نرم افزار تمدن» و «پیشران تغییرات اجتماعی» بازتعریف می شود (جواد آملی، ۱۳۸۸: ۳۵). زنان در نقاط عطف تاریخ انبیاء، نقشی فراتر از همراهی عاطفی صرف ایفا کرده اند؛ آنان در گلوگاه‌های بحرانی تاریخ، با کنشگری‌های امنیتی، سیاسی و تربیتی، مسیر تاریخ را از انحراف به سوی طاغوت بازداشته و به مجرای توحید بازگردانده اند (زیبایی نژاد، ۱۳۹۰: ۸۵). کارکردهای تمدنی زنان مقاوم در عرصه بستر سازی تمدنی در سه عرصه سلبی، ایجابی یا تاسیسی، و تثبیتی قابل بررسی است. منظور از سلبی کارکرد مقاومت زنان در بطلان تمدن سابق غیر توحیدی و طاغوتی است. کارکرد تاسیسی اشاره به بستر سازی تمدن توحیدی دارد و کارکرد تثبیتی به بقا و ادامه تمدن الهی در بستر تاریخ اشاره می کند. البته بانوان مقاوم بسیاری در کارکرد تثبیتی تمدن الهی در طول تاریخ نقش آفرینی کرده اند که به طور مستقیم در قرآن کریم به آنها اشاره نشده است. از جمله مقاومت سیاسی اجتماعی حضرت زهرا س و حضرت زینب س و حضرت معصومه س در قرون اولیه و در قرون اخیر تا به امروز که منجر به تمدن سازی نوین اسلامی شده است.

الف. بستر سازی تمدنی سلبی

با توجه به آیات قرآن کریم در ارتباط با زنانی مثل آسیه، مادر مریم، و حضرت مریم علیها السلام مشخص می شود که تلاش و مقاومت این بزرگواران در جهت مبارزه با تمدن سابق و ارزش‌های غیر عقلانی و غیر توحیدی

آنان بوده است. آسیه در قلب کاخ فرعون و کانون طغیان، ایمان خود را حفظ کرد و از موسی به عنوان رهبر الهی در برابر فرعون حمایت نمود. این مبارزه اعتقادی-سیاسی منفی و نفوذ استراتژیک باعث زنده ماندن موسی و تربیت او از لحاظ جنگاوری، حکمت و تدبیر در دربار پادشاه شد (طباطبایی، ۱۳۹۳/۹/۳۴۵).

آسیه، همسر فرعون، در قرآن با عنوان «امراة فرعون» معرفی می‌شود و اوج نقش تمدنی‌اش در دعایی است که هنگام شهادت بر زبان می‌آورد: ﴿وَقَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ (تحریم/۱۱). مفسران شیعه و سنی این آیه را نمونه روشن «مقاومت اعتقادی-توحیدی» در قلب یک تمدن طاغوتی دانسته‌اند؛ زنی که در کاخ فرعون زندگی می‌کند، اما هویت ایمانی خود را نه با ساختار قدرت که با نسبت «عندک» با خدا تعریف می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۹، ص. ۳۴۴؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۸، ص ۱۱۰) روایات تفسیری بیان می‌کند که آسیه پس از ایمان آوردن به موسی علیه السلام، شکنجه‌های سختی را از سوی فرعون تحمل کرد و در نهایت به شهادت رسید (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۲۴، ص ۳۰۳). در روایتی نبوی، او در کنار مریم، خدیجه و فاطمه علیها السلام در شمار برترین زنان بهشتی آمده است (احمد بن حنبل، مسند، ج ۱، ص. ۲۹۳). آسیه با پنهان کردن ایمان خود در کاخ فرعون، توانست موسی علیه السلام را در قلب خطر حفظ کند. شخصیت مستقل او که تحت تأثیر محیط فاسد دربار قرار نگرفت، عاملی کلیدی در ایجاد شکاف در حاکمیت مطلق فرعون بود. او الگوی «نفوذ استراتژیک» جبهه حق در ساختار طاغوت است (امیری و داوری، ۱۴۰۱: ۲۲۵). از منظر تمدنی، آسیه با انتخاب آگاهانه خود نشان می‌دهد که حتی در اوج سلطه تمدن فرعونی، می‌توان «مرکز هویت» را از قدرت سیاسی به رابطه با خدا منتقل کرد و این همان چیزی است که قرآن او را به الگو برای ﴿الَّذِينَ آمَنُوا﴾ تبدیل می‌کند (تحریم/۱۱).

مادر مریم نیز یکی دیگر از زنان صالح و صبور نام برده در قرآن کریم است. قرآن از مادر مریم با عنوان «امراة عمران» یاد می‌کند و نقطه اوج نقش او را در نذر مشهورش نشان می‌دهد: ﴿إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ (آل عمران/۳۵). مفسران گفته‌اند که در سنت آن زمان، خدمت در محراب و خانه عبادت عمدتاً به فرزندان پسر اختصاص داشت و نذر «مُحَرَّرًا لَكَ» یعنی آزاد کردن فرزند از همه وابستگی‌ها برای خدمت مستقیم در معبد (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۳، ص ۱۷۰؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۳۳۰). مادر مریم با نذر کردن فرزندش برای خدمت به معبد (که تا آن زمان مختص مردان بود)، الگوی تبعیض جنسیتی حاکم را در هم شکست و زمینه را برای تربیت مریم علیها السلام و سپس عیسی علیه السلام فراهم نمود. مقاومت او در برابر «عرف غلط جامعه» بود. (طباطبایی، ۱۳۹۳، ذیل آیات ۳۵ آل عمران)

مریم در قرآن به عنوان مظهر مقاومت عبادی و دفاع از کرامت زن معرفی می‌شود که عبادت، عفت و تجربه خاص ولادت عیسی علیه السلام را با هم جمع کرده است. در سوره آل عمران، حضور دائمی او در محراب و



مراقبت زکریا علیه السلام از او یاد شده و بارها تأکید می‌شود که او «قَائِمَةً» و «صِدِّيقَةً» است (آل عمران/۳۷؛ مائده/۷۵). در سوره مریم، هنگامی که با عیسی بازمی‌گردد و قومش او را به شدت سرزنش می‌کنند، تنها سلاح او «اشاره» به کودک و اتکای کامل به دفاع الهی است؛ عیسی در گهواره سخن می‌گوید و بی‌گناهی و رسالت خود را اعلام می‌کند (مریم/۲۷-۳۳). مفسران این صحنه را اوج «مقاومت عبادی» دانسته‌اند؛ یعنی ایستادگی در برابر تهمت و فشار اجتماعی، نه با نزاع کلامی، بلکه با تکیه بر صدق نیت، پاکدامنی و نصرت الهی (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۴، ص ۴۵) از منظر تمدنی، مریم با عفت و عبادت خود دو کار بزرگ انجام می‌دهد: نخست، نشان می‌دهد که زن می‌تواند حامل یکی از بزرگ‌ترین معجزات تاریخ نبوت باشد و این، کرامت وجودی او را نه در نسبت با مرد، بلکه در نسبت مستقیم با خدا تعریف می‌کند دوم، در برابر فرهنگ تهمت و بدگمانی نسبت به زن، الگویی از «دفاع الهی از حیثیت زن» ارائه می‌کند؛ قرآن می‌گوید: ﴿وَبِكْفَرِهِمْ وَقَوْلِهِمْ عَلَىٰ مَرْيَمَ بُهْتَانًا عَظِيمًا﴾ (نساء/۱۵۶)، و بدین‌سان تهمت به زن پاکدامن را «بهتان عظیم» می‌نامد. اگر مقاومت عبادی و پاکدامنی مریم نبود، هم حلقه مهمی از تاریخ مسیحیت و گفت‌وگوی ادیان ناقص می‌ماند و هم نمونه قرآنی روشن از امکان «رهبری معنوی زن» در سطح تمدنی شکل نمی‌گرفت (ابراهیم، ۲۰۲۰، ۵۰-۵۵).

ب. بسترسازی تمدنی تاسیسی

ساره و هاجر در خلال آیات قرآن به عنوان نماد تاسیس تمدن الهی از نسل انبیا یاد می‌شوند. اعتماد توحیدی به وعده الهی ساره در قرآن به عنوان همسر ابراهیم علیه السلام و مادر اسحاق علیه السلام و مادر بزرگ یعقوب علیه السلام معرفی می‌شود؛ یعنی او در میان نسل دوم و سوم خط نبوت قرار دارد. قرآن از بشارت تولد اسحاق به ساره در سوره‌های متعددی یاد می‌کند: ﴿وَأَمْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ﴾ (هود/۷۱) و سپس: ﴿قَالَتْ يَا وَيْلَتَىٰ أَأَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْلِي شَيْخًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ﴾ (هود/۷۲). مفسران شیعه و سنی این پاسخ ساره را نشانه «تعجب انسانی در برابر وعده فراطبیعی» دانسته‌اند، نه «بی‌اعتمادی»؛ زیرا در آیه بعد خود ساره، پس از تصحیح شدن برداشت، می‌گوید: ﴿قَالَتْ أَلِدْتُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْلِي شَيْخًا قَالُوا كَذَلِكِ قَالَ رَبُّكِ إِنَّهُ هُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ﴾ (هود/۷۲) و از این جا به بعد، با اطمینان کامل، خود ساره تصدیق می‌کند که این فرزند جدید - اسحاق - بخشی از طرح الهی است (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۰، ص ۳۲۱؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۲، ص ۷۴). از منظر تمدن‌سازی، این پیوست ساره به وعده الهی و تحمل کردن او برای تولد در سن پیری، نقطه اصلی تداوم نسل نبوت است. اگر ساره این تحمل را نداشت، سلسله نسلی ابراهیم علیه السلام یا ناقص می‌ماند یا دستخوش انحراف می‌شد، چون اسحاق و یعقوب، بر اساس قرآن، مستقیماً به نسل‌های بعدی پیامبران رابط می‌شدند (ابراهیم/۳۹-۴۰). ساره بدین وسیله زنی است که حلقه اتصال میان دو نسل پیامبری را حفظ می‌کند. ساره نه تنها همسر، بلکه همراه استراتژیک ابراهیم علیه السلام در مهاجرت‌ها بود. خنده‌ی او در سوره هود (فضحکت...)

نشانه‌ی بشارت به تداوم نسل نبوت (اسحاق و یعقوب) است که زیربنای تمدن بنی اسرائیل شد (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲۳۵). مقاومت معنوی ساره در برابر پادشاه مصر، نماد قدرت زن مؤمن در برابر طواغیت است که منجر به حفظ کرامت خاندان رسالت شد (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۷: ۳۱۵). قرآن کریم با بشارت دادن او به اسحاق و خطاب ﴿رَحِمْتُ اللَّهَ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ﴾ (هود: ۷۳)، جایگاه والای او را به عنوان یکی از ارکان بیت نبوت و مادر تبار انبیای بنی اسرائیل تثبیت کرده است (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲۳۹).

هاجر با سعی خود (تلاش مادی) و توکل (تلاش معنوی)، چشمه زمزم را پدید آورد که زیرساخت حیاتی برای سکونت و شکل‌گیری شهر مکه شد. این عمل او تاسیس جغرافیای تمدنی توحیدی و تثبیت نسل توحیدی محسوب می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۰۳۵۷). هاجر در تاریخ تمدن اسلامی، نماد گذار از «بن‌بست» به «گشایش» و تبدیل «بیابان لم‌یزرع» به «کانون مدنیت» است. هجرت او و اسماعیل به وادی مکه، یک مأموریت استراتژیک برای تأسیس پایگاه توحید در قلب جاهلیت محسوب می‌شد (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۲۸۵). هجرت تمدن‌ساز و معماری بلد امین، مدیریت بحران زیستی (تلاش هاجر سعی) میان صفا و مروه، نماد «امید فعال» است. جوشش زمزم در پاسخ به استقامت او، زیربنای اقتصادی و زیستی شهر مکه را فراهم آورد. تحلیل‌های تاریخی نشان می‌دهد که بدون مدیریت و استقامت هاجر در حفظ منابع آبی و تعامل با قبیله جُرهم، مکه هرگز به یک شهر (Polis) تبدیل نمی‌شد و کعبه به عنوان قلب تپنده تمدن اسلامی احیا نمی‌گردید. همچنین هاجر با تربیت اسماعیل در محیطی دور از تمدن‌های مشرک، نسلی «حنیف» را پرورش داد که شایستگی بازسازی کعبه را یافت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۰: ۳۵۷). کنشگری این دو، مصداق بارز «بسترسازی تمدنی» است که در آن، «هجرت» و «صبر»، خمیرمایه تشکیل امت‌های آینده می‌شود. (جعفریان، ۱۳۸۲، ج ۱: ۱۲۴)

مادر و خواهر موسی نیز در حلقه بعدی تمدن سازی نقش کلیدی ایفا می‌کنند. مدیریت بحران و مقاومت امنیتی - اطلاعاتی، و ایجاد کار تشکیلاتی جهت تحقق شبکه پنهان مقاومت زمینه زنده ماندن و به ثمر رسیدن رسالت موسی ع شد. خداوند به مادر موسی وحی می‌کند: ﴿أَنْ أَرْضِعِهِ فَإِذَا خِفْتُ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا زَادُوهُ إِبْرَکَ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ﴾ (قصص/۷). طبری و دیگر مفسران تصریح کرده‌اند که این «وحی» از نوع الهام قلبی است و مادر موسی با عمل به آن، یکی از جسورانه‌ترین تصمیم‌های حفاظتی تاریخ نبوت را می‌گیرد؛ تصمیمی که جان پیامبر آینده و طرح نجات بنی اسرائیل را حفظ می‌کند. (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۰، ص ۳۰؛ طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۶، ص ۱۲) مادر موسی با الهام الهی موسی را در رود انداخت (حفظ جان ولی خدا) و خواهر موسی با «رصد اطلاعاتی» ﴿قَالَتْ لِأُخْتِهِ قُصِّيهِ﴾ آیه ۱۱ قصص) وضعیت را پایش کرد تا موسی به سلامت بازگردد (قرآنی، ۱۳۸۳، ۸/۲۳۰). مادر موسی با الهام الهی و ریسک‌پذیری بالا (سپردن کودک به نیل) و خواهر موسی با رصد اطلاعاتی دقیق (قُصِّيهِ)، یک عملیات



پیچیده امنیتی را برای بازگرداندن موسی به آغوش خانواده مدیریت کردند. این کنشگری نشان‌دهنده هوش سیاسی و اجتماعی زنان در شرایط خفقان است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۶:۲۴). خواهر موسی مأموریت یافت صندوق را تعقیب کند، از دور مراقب او باشد و در لحظه مناسب، خانه مادرش را به‌عنوان دایه‌ای برای کودکِ درباری پیشنهاد کند تا ارتباط عاطفی و تربیتی او با خانواده مؤمن حفظ شود (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۰، ص. ۳۲؛ مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ۱۶/۳۵). این صحنه، نمونه‌ای از «کار تشکیلاتی پنهان» در دل نظام فرعون‌ی است؛ شبکه‌ای زنانه که از خانه مادر تا کاخ فرعون امتداد دارد و با ترکیبِ مراقبت، هوشیاری و حضور در صحنه، طرح الهی نجات را پیش می‌برد. اگر این حلقه ظاهراً کوچک وجود نداشت، موسی نه در محیطی امن و ایمانی رشد می‌کرد، نه در موقعیت بعدی می‌توانست رهبری نهضت آزادی‌بخش بنی اسرائیل را بر عهده گیرد.

یکی دیگر از زنان ایجادکننده تمدن توحیدی در قرآن ملکه سبا است. او نماد «عقلانیت سیاسی» است. در حالی که مشاوران مرد پیشنهاد جنگ دادند (نحن اولوا قوة...)، او با دیپلماسی و سپس تسلیم شدن در برابر منطق سلیمان (اسلمت مع سلیمان)، قوم خود را از انحطاط نجات داد و به تمدن توحیدی متصل کرد. داستان ملکه سبا (بلقیس) در سوره نمل، یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های حکمرانی زنانه در قرآن است. او در ابتدا در رأس حکومتی ثروتمند و خورشیدپرست قرار دارد: ﴿إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ﴾ (نمل/۲۳)، اما پس از دریافت نامه سلیمان علیه السلام، به جای واکنش احساسی، با مشورت نخبگان و سپس تصمیم شخصی خود به سوی راه‌حل مسالمت‌آمیز و عقلانی می‌رود (نمل/۲۹-۳۵). مفسران گفته‌اند که مشورت گسترده او با «ملا» و سپس تشخیصش در برتری منطق توحیدی بر قدرت مادی خود، نشان‌دهنده «حکمت سیاسی» و توان تحلیل تمدنی اوست (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص. ۳۶۰؛ قرطبی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۳، ص. ۲۰۰). در نهایت، ملکه سبا با مشاهده قدرت الهی و اخلاق سلیمان می‌گوید: ﴿رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (نمل/۴۴). از منظر تمدنی، این گزاره صرفاً یک تغییر عقیده فردی نیست، بلکه نمادِ گذارِ یک ساختار سیاسی از شرک به توحید است؛ گذاری که با تصمیم و پذیرش آگاهانه یک زنِ حاکم انجام می‌شود (ریعان، ۱۴۰۲، ۲۵).

از دیگر نمونه‌های زنان تمدن ساز در قرآن دختر شعیب محسوب می‌شود که با رفتار عقیفانه و توجه به معیار درست انتخاب همسر در بستر سازی تمدن فضیلت محور و تشکیل خانواده تمدن ساز نفس بسزایی دارد. داستان دیدار موسی علیه السلام با دختران شعیب در سوره قصص، نمونه‌ای از پیوند «حیا و عفت» با «تشخیص شایستگی رهبری» است. قرآن می‌گوید: ﴿وَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا...﴾ (قصص/۲۵) و سپس: ﴿قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ﴾ (قصص/۲۶). مفسران این دو وصف «قوی» و «امین» را معیارهای اصلی انتخاب



همکار و همسر دانسته‌اند و تأکید کرده‌اند که این تشخیص از سوی یک دختر جوان، نشانه بلوغ اخلاقی و اجتماعی اوست (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۰، ص ۴۵؛ طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۶، ص ۲۶). دختر شعیب، با حفظ حیا در رفتار بیرونی، نقش فعالی در تصمیم پدر برای استخدام و سپس دامادکردن موسی ایفا می‌کند. این تصمیم، سرنوشت پیامبری را که بعدها رهبر نهضت آزادی بخش بنی اسرائیل می‌شود، تحت تأثیر قرار می‌دهد و از این جهت می‌توان آن را حلقه‌ای از «بستر سازی تمدنی» دانست: فراهم شدن دوره‌ای امن برای رشد فکری و روحی موسی در مدین، نتیجه تشخیص و پیشنهاد اوست. دختران شعیب الگوی حضور زن در اجتماع هستند. کارکرد تمدنی آنها معرفی دو شاخصه مدیریت جهانی: «قوت» (تخصص/ توانایی) و «امانت» (تعهد) بود (ان خیر من استاجرت القوى الامین). مقاومت آنها در حفظ «حیا» در محیط مردانه (تمشی علی الاستحیاء) تعریف می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۶، ص ۲۶)

ج. بستر سازی تمدنی تثبیتی

در زمینه تثبیت تمدن توحیدی با وجود طلوع دین خاتم و توجه به قرآن کریم به عنوان آخرین کتاب الهی، زنان اصحاب و همسران پیامبر اکرم ص عهده دار مسئولیت ادامه دادن راه زنان مقاوم پیشین می‌شوند. اگر تمدن سازی را به معنای گذار از «وضعیت بدوی» (جاهلیت) به «نظم الهی» (جامعه ولایی) تعریف کنیم، زنان صدر اسلام با شکستن ساختارهای جاهلی، مدیریت بحران‌های اقتصادی و امنیتی، و مشارکت مستقیم در دفاع نظامی، شتاب‌دهنده‌های اصلی این حرکت تمدنی محسوب می‌شوند (آیتی، ۱۳۶۶: ۸۵). همسران پیامبر ﷺ در کانون تحولات سیاسی و اجتماعی قرار داشتند. نقش آنان در دو برهه «مقاومت در مکه» (دوران غربت) و «نظام سازی در مدینه» (دوران قدرت) قابل توجه است. در آیات ۲۸ و ۲۹ سوره احزاب (آیه تخخیر)، خداوند زنان پیامبر را بین «زینت دنیا» و «خدا و رسول» مخیر می‌کند. انتخاب آنها، پایه گذاری یک الگوی «ساده زیستی» برای رهبران جامعه اسلامی بود. مقاومت آنها در برابر «وسوسه تجمل گرایی» است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲۶: ۲۴) طبق دستور الهی خانواده نبوی وظیفه تنظیم سبک زندگی تمدنی را برعهده دارد. در سوره احزاب، خطاب به همسران پیامبر ﷺ آمده است: ﴿يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ... وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى﴾ (احزاب/ ۳۲-۳۳). مفسران شیعه و سنی این آیات را برنامه‌ای برای ساخت «الگوی مرجع سبک زندگی زن مسلمان» دانسته‌اند؛ ازواج النبی ﷺ به سبب موقعیت‌شان، مسئولیت مضاعفی در رعایت حجاب، گفتار، رفتار اجتماعی و مراقبت از فضای خانه نبوی دارند (قرطبی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۴، ص ۱۸۰؛ طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۶، ص ۳۱۰). در ادامه همین آیات، از زنان پیامبر خواسته می‌شود نماز و زکات را برپا دارند، خدا را یاد کنند و آیات و حکمت را که در خانه ایشان تلاوت می‌شود، به یاد داشته باشند؛ سپس تصریح می‌شود: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ (احزاب/ ۳۳). از منظر تمدنی، خانه پیامبر و سبک زندگی ازواج او، تبدیل به «کانون

نمادین» برای تنظیم روابط خانوادگی، حریم خصوصی و مرز میان حضور اجتماعی و تبّج جاهلی در تمدن اسلامی می‌شود. اگر این سطح از نظارت الهی و مسئولیت‌پذیری در خانواده نبوی نبود، تمدن اسلامی الگوی روشن و قابل استنادی برای تنظیم رفتار جنسیتی و خانوادگی در برابر فرهنگ جاهلی در اختیار نداشت.

(طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۹، ص. ۳۵۰)

زنان صحابه نیز با بیعت و مشارکت سیاسی - اجتماعی خود مسیر اعتلای رسالت پیامبر اکرم ص را هموار ساختند. قرآن در سوره ممتحنه، از بیعت زنان با پیامبر ﷺ یاد می‌کند: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعُكَ عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ...﴾ (ممتحنه/۱۲). مفسران این آیه را نشانه به رسمیت شناختن حضور مستقل زنان در پیمان سیاسی - دینی امت دانسته‌اند؛ یعنی زنان نه صرفاً «ضمیمه قبیله و خانواده»، بلکه به عنوان «مؤمنات صاحب قرارداد» مخاطب قرار گرفته‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۹، ص ۳۵۰؛ مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۲۴، ص ۳۰۸) در منابع تاریخی آمده است که زنان در بیعت عقبه و بیعت رضوان نیز حضور داشته‌اند و این مشارکت، بخشی از پشتوانه اجتماعی دولت نبوی را شکل داده است (ابن هشام، بی تا، ج ۲، ص ۹۰). از منظر تمدنی، این بیعت‌ها نشان می‌دهد که در طراحی نظام ارزش‌ها و هنجارهای جامعه اسلامی، زنان از آغاز به عنوان کنشگران مسئول پذیرفته شده‌اند؛ اگر این حلقه مشارکت نبود، الگوی تمدن نبوی به راحتی می‌توانست به بازتولید همان الگوی قبیله‌ای مردمحور منجر شود.

نتیجه گیری

بررسی‌های اجمالی حاکی از آن است که ویژگی برجسته و مشترک بین زنانی که قرآن کریم از آنان به عنوان زنان مطرح و تاثیرگذار نام برده است ویژگی صبر و استقامت آنان در شرایط بحرانی زمان خودشان بوده است. گونه‌شناسی انواع مختلف مقاومت آنان، پرده از نظمی هوشمند و خلاقیتی بنیادین در ترسیم منظومه تمدن‌سازی تاریخ بشر بر می‌دارد. نقش آنان نه یک نقش حاشیه‌ای، بلکه رکن زمینه‌ساز تمدنی و پیشران تاریخی بوده است؛ نقش معمار و طراح در ساحت نرم‌افزاری و درون مایه‌ای تمدن توحیدی، به گونه‌ای که اگر حضور و مقاومت آنان نبود، برخی حلقه‌های مهم تمدن انبیای الهی در برابر ساختارهای طاغوتی شکل نمی‌گرفت یا ادامه پیدا نمی‌کرد. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که نقش تمدن‌ساز زنان مقاوم در قرآن را می‌توان در چهار زمینه اصلی: پایداری ایمانی در برابر فشارهای طاغوتی، نقش‌آفرینی خانوادگی در پرورش و تداوم نسل پیامبرانه، کشمگری اجتماعی و حضور مسئولانه در جامعه برای سامان‌دادن به هنجارها و ارزش‌های الهی، و تأثیرگذاری و مشارکت در هدایت تاریخی جامعه طبقه بندی کرد.

استمرار نسل ابراهیمی توسط ساره، مقاومت توحیدی آسیه در مقابل تمدن فرعون، درایت و حرکت تشکیلاتی مادر و خواهر موسی (علیهم‌السلام) در ایجاد نهضت آزادی بخش بنی اسرائیل، نذر مادر مریم در رفع تبعیض جنسیتی و مقاومت مریم در برابر تعصبات اجتماعی، کارکرد اجتماعی رفتار عفیفانه دختر شعیب و حکمرانی عقلانی - الهی ملکه سبا، نقش‌آفرینی سیاسی - اجتماعی زنان صحابه پیامبر (علیهم‌السلام) در بیعت و نیز عملکرد ازواج‌النبی (علیهم‌السلام) در بستر مقابله با تبرج جاهلیت از مصادیق تمدن‌سازی الهی با محوریت زنان مقاوم در قرآن به شمار می‌رود. به عبارت دیگر کارکرد مقاومت این زنان مقاوم قرآنی در سه بستر تمدنی سلبی، تاسیسی، و تثبیتی قابل مطالعه است. مصادیق قرآنی - تفسیری بیان شده در متن تحقیق موید این مدعاست. در این ساختار مقاومت توحیدی آسیه، مادر مریم، و مریم در چارچوب مقاومت منفی با تمدن طاغوتی شناخته می‌شوند. مقاومت ساره، هاجر، دختر شعیب، ملکه سبا در سه ساحت دخیل تمدن‌سازی یعنی بینشی - عقیدتی، رفتاری - اخلاقی و سیاسی - اجتماعی قابل تفکیک است. مقاومت متوکلاانه ساره و هاجر، رفتار عفیفانه و خانواده‌ساز دختر شعیب، و نوع عملکرد حق طلبانه ملکه سبا در تعاملات سیاسی و مدیریت جامعه نشانه تمدن‌سازی زنان از منظر قرآن کریم است.

فهرست منابع

• قرآن کریم

۱. ابراهیم، سلین. ۲۰۲۰. زن و جنسیت در قرآن. نیویورک: دانشگاه آکسفورد.
۲. ابراهیمی کوشالی، حسین. ۱۴۰۰. از انس با قرآن تا تمدن نوین اسلامی. قم: انتشارات شهید کاظمی.
۳. ابن هشام، عبدالملک. بی تا. السيرة النبوية. (تحقیق: مصطفی السقا). بیروت: دار المعرفة.
۴. احمد بن حنبل، شیبانی. بی تا. مسند احمد بن حنبل. بیروت: دار صادر.
۵. امیری، طیب و داوری، محمود. ۱۴۰۱. «تحلیل جامعه‌شناختی الگوی مقاومت آسیه در قرآن». فصلنامه علمی مطالعات زن و خانواده.
۶. آیتی، محمدابراهیم. ۱۳۶۶. تاریخ پیامبر اسلام. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۷. جبارپور، محمد. ۱۴۰۴. «نقش و جایگاه زنان در تمدن نوین اسلامی بر پایه اولویت‌بندی مسئولیت بانوان». نشریه مطالعات میان‌رشته‌ای تمدنی انقلاب اسلامی.
۸. جعفریان، رسول. ۱۳۸۲. تاریخ سیاسی اسلام. قم: انتشارات دلیل ما.
۹. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۸. زن در آینه جلال و جمال. قم: مرکز نشر اسراء.
۱۰. حسین‌زاده، خدیجه؛ سجادی‌نژاد، زینب و موسوی، مریم. ۱۴۰۰. «گونه‌های استقامت زنان الگوی مقاومت در قرآن کریم». مجموعه مقالات همایش ملی مقاومت اسلامی.
۱۱. دهخدا، علی‌اکبر. ۱۳۷۷. لغت‌نامه دهخدا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. ربیعان، معصومه. ۱۴۰۲. «زن و سیاست در قرآن (با تأکید بر حکمرانی ملکه سبا)». فصلنامه اسلام‌شناسی و قرآن‌پژوهی در جهان معاصر.
۱۳. زمخشری، محمود بن عمر. ۱۴۰۷ق. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل. بیروت: دار الکتب العربی.
۱۴. زیبایی‌نژاد، محمدرضا. ۱۳۹۰. درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام. قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
۱۵. طباطبایی، سید محمدحسین. ۱۳۹۳. المیزان فی تفسیر القرآن. (ترجمه: موسوی همدانی). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۶. طبری، محمد بن جریر. ۱۴۱۲ق. جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار المعرفة.
۱۷. غفاری‌پور، زهرا. ۱۳۹۳. «بسترسازی تمدن اسلامی». مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین اسلامی.
۱۸. قزائتی، محسن. ۱۳۸۳. تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۱۹. قرطبی، محمد بن احمد. ۱۴۰۵ق. الجامع لأحكام القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۰. محمودی‌نسب، معصومه و نیکوخصال، معصومه. ۱۴۰۱. «نقش بانوان در ایجاد تمدن نوین اسلامی». دوفصلنامه مطالعات تربیتی و اجتماعی قرآن و عترت.
۲۱. مصاحب، غلامحسین. ۱۳۸۱. دایره‌المعارف فارسی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۲. مطهری، مرتضی. ۱۳۷۸. نظام حقوق زن در اسلام. تهران: انتشارات صدرا.

۲۳. معین، محمد. ۱۳۸۶. فرهنگ فارسی. تهران: انتشارات امیرکبیر.

۲۴. مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۴. تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۲۵. نوبری، علیرضا و رضائی، حسن. ۱۴۰۲. «ساختار حقوق زن در هندسه تمدن اسلامی». مجموعه مقالات

سومین همایش بین‌المللی تفسیر اجتماعی قرآن.

۲۶. یاسری، زینب و اخوان نیلچی، نفیسه. ۱۳۹۷. «تبیین الگوی مفهومی نقش‌آفرینی زنان در تحقق تمدن نوین

اسلامی». دوفصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی.

